

شهر بابک

بقیه از شماره قبل

اجاق آقا :

چنانکه قبلاً ذکر شد بعضی از محلات مرکز بخش شهر بابک متصل بیکدیگر نیست، و در فاصله آنها اراضی مزروعی و باغستان قرار دارد. لکن بموجب آنچه در محل مشهور است و طبق فرائین و امارات مقرون بصحت تشخیص داده میشود شهر قدیم بزرگتر و پر جمعیت تر از شهر کنونی بوده و فاصله‌ای که بین محلات امروزی است وجود نداشته و عمارت بوده است - قسمت عمده شمال و شمال شرقی شهر فعلی اراضی مزروعی است که آن قسمت را (شهر) گویند و فعلاً یکباب مسجد و یک حسینیه و چند خانه در آنجا باقی است که به محله شهر تعبیر میشود. گویند مرکز شهر قدیم در این نقطه بوده و از این مرکز چهار بازار چهار سمت وجود داشته و دارای چهار سوی مهمی بوده است و دارالحکومه در آنجا قرار داشته. همچنین اقامتگاه مرحوم آقاخان محلاتی در این ناحیه در کنار مسجد و حسینیه بوده و فعلاً نیز زمین آنجا بهمین عنوان شناخته میشود. محل اطافی که دارای بخاری دیواری و اقامتگاه خاصه آقاخان بوده در اراضی مزروعی معین است و همان نقطه موسوم است به «اجاق آقا» که مورد تقدیس پیروان اوست.

عمارات کهنه :

همچنین در اراضی مزروعی یک قطعه زمین بایر قرار دارد که موسوم است بمسجد منار و گویند مسجدی با منارهای کاشی کاری در اینجا وجود داشته. یارمهای آجر کاشی گاه گاه از زیر خاک ظاهر میشود و بنا بر همین شهرت این زمین بنام زمین مسجد باقی مانده و کسی آنرا بعنوان مالکیت تصرف و آباد نکرده است - و نیز در مشرق شهر بابک تپه‌ای است موسوم به (تل نقارخانه) و گویند نقار - خانه شهر در این تپه قرار داشته است.

از این گونه مطالب که ذهن بدهن رسیده و فرائین و اماراتی آن را تأیید میکند قدمت شهر و آبادتر بودن آن آشکار است. آباد بودن شهر تا زمان فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار و در اوقاتی که آقاخان محلاتی والی کرمان بوده محقق است - لکن آثار و اشیای تاریخی و باستانی باقی نمانده و همان مسجد و حسینیه مرکز شهر قدیمی هم که باقی است جنبه تاریخی ندارد. شاید یکی از علل بی دوامی عمارات قدیمی رطوبت زمین باشد که بزودی ساختمان‌ها را از بنیان و بی ویران میکند.

مهمترین عمارت قدیمه شهر بابک بعد از چند مسجدخانه است قلعه مانند که در زمان ناصر الدین شاه قاجار، حاکم محلی و رئیس مطلق این منطقه موسوم بموسی خان بنا کرده و اکنون در ملکیت اعقاب او باقی است و برای مجل دبستان پسرانه شش کلاسه (والی) در اجاره فرهنگ است. این خانه هم که موسوم بمعمارت موسی خانی است از احاطه تاریخی دارای امتیازی نیست.

یادی از محمدخان والی :

بی مورد نیست یاد آور شود که دبستان (والی) بنام مرحوم محمد خان والی از خاندان جناب معیر الممالک است که سالها در بزرگ حکومت داشته و سعی بلیغی در آبادانی و عمران کرده و آثار زیادی

دریزد از وی باقی است که از آن جمله بازارخان - مدرسه خان - باغ خان - سرای والی و دیگر ابنیه و آثار بوده باشد .

عمارات امروز :

شهر بابک (مرکز بخش) فعلاً دارای هشت باب مسجد و هفت باب حمام و شش حسینیه و میدان و در حدود ۱۵۰ الی ۲۰۰ در دکان است . یکباب مدرسه علوم قدیمه نیز وجود دارد که سالهاست متروک مانده و اخیراً قسمتی از آن در مسیر خیابان واقع شده .

چندین سال است که هر موقع دادگاه سیار نظام وظیفه در شهر بابک منعقد میشود محل انعقاد دادگاه مذکور منزل سر بازان و جمع آوری مضمولین بملت نبودن خانه و محل مناسب و بلا مانع دیگر در این مدرسه قدیمه است .

یادی از گذشتگان :

سابقاً علماء و فضلا و وعاظی در شهر بابک بوده اند و تا بیست سال پیش دوسه تن از بقایای درگذشتگان حیات داشته اند ولی از آن پس در این سامان نیز مانند اغلب نقاط مشابه آن اهل علم کمتر پرورش یافته اند .

اسامی چند تن از گذشتگان شهر بابک که در همین قرن ۱۴ هجری حیات داشته اند و معمرین فعلی آنان را بیاد دارند و هر یک در رشته و صفت خاصی نسبت بدیگران ممتاز بوده اند بدین شرح است :
 شیخ محمد اسمعیل در حکمت و عرفان و وارستگی . شیخ هادی در حکومت شرعیه و نفوذ کلام .
 میرزا غلام حسین در زهد و صداقت لهجه و خوش خطی . روحانی در شاعری با شعر متوسط . آقا کریم متخلص بکریم در شاعری با شعر متوسط . میرزا حسن حکیم در ذوق طبعی و نثر نویسی . گویند شخص اخیر الذکر که نامش حسن و نام پدرش علی بوده گاه گاه عبارتی عربی مصدر بجملة (قال حسن ابن علی) تلفیق میکرده و بنام خبر برای ساده دلان نقل مینموده و موجبات تفریح دیگران را فراهم میکرده است .

در قرن ۱۳ هجری نیز میرزا علی اکبر نام متخلص به بسمل از اهالی شهر بابک شاعر و نویسنده بوده است و در هر دو فن ازم متوسطین - شخصیت اشخاص مذکور بفرخور محل بوده است . بشخص اخیر الذکر که چندی ها کم بود گفتند : چه شد که مالیاتهارا وصول نکردید؟ گفت : از دوستان نگر فتم و دشمنان ندادند لذا مالیات لا وصول ماند .

دید و بازدید :

در این حدود دید و بازدیدهای دوستانه را که روز و شب بمنزل یکدیگر میروند «دوده کردن» گویند ، و چون زمین نمناک است بجای آنکه پس از جارو کردن آب پاشی کنند ، می خشکانند ،

بجاروب مزه رویم کبر را بخشکانم ز آهی خاک ترا
 کتم با آتش دل دوده را گرم پذیرائی کنم آن سیمبر را

دانش آموزان مستعد :

اهالی این منطقه غالباً رغبت دارند که فرزندان خود را بدبستان فرستند و در هر دپه و دهکده که دبستان تأسیس شود نو آموزانی خواهد داشت . کودکان اینجا نیز مانند اطفال اغلب بخشها و دهستانها هوش و استعداد فطری دارند و با شوق و شمع دنبال آموختن میروند . هنگامی که در هوای سرد زمستان و در حین بارندگی مشاهده میشود که اطفال دهکده های

مجاور يك دبستان مسافت دوسه كيلومتر را با اشتياق پيموده بدبستان آمد و رفت ميكنند و غالباً لباس زمستاني و حتی پايوش درستی ندارند بی اختيار آفرين وزه واحسن بر اين استعدادها تارميگردهد .

دو گروه فاسد :

كودكان تا كلاس پنج و شش دبستان محض ياد گرفتن و فهميدن تحصيل ميكنند . از كلاس اول دبستان بيالا بمنظور گرفتن مدرک عقب اين كار ميروند . مدرک تحصيل را برای اين طالب هستند که بر کسانى که فاقد آن ميباشند امتياز داشته باشند و شغل موظفى بدست آورند يالا اقل بحرفه ظريفى که وضع ظاهرشان را تميز نگاه دارد و عنوان زارع و چوپان و پيشه‌ور عادى نداشته باشند اشتغال ورزند .

علاوه بر محصلين ، جوانانى که خدمت سربازى را انجام ميدهند پس از خاتمه خدمت غالباً بازگشت بدبستان و اشتغال بمشاغل ، شغل برزىگرى را نمى‌پسندند . اين دو دسته جوانان اگر در خانه پدر نان و آبهى سراغ داشته باشند شغل بي‌زحمت بى‌كارى را اختيار ميکنند و منبع مفاسدى که بر بى‌كارى مترتب است ميشوند ، اگر نه برای يافتن کار دلخواه بر مرکز و شهرهاى بزرگ روى آورده پس از نوميدي از يافتن مشاغل موظف بكارهائى نظير پرتقال فروشى ، شانه فروشى ، جوراب فروشى ، بلبط فروشى وغيره ميردازند و اگر فطرة داراى فکر سالم نباشند در نتيجه معاشرت با اشخاص نا مناسب احياناً بكارهائى ناشايسته دست ميزنند .

لغات واصطلاحات :

در زبانهاى محلى بسيارى از نواحى ايران اصطلاحات و لغاتى خاص است که جمع آورى آنها خدمت بزرگى بزبان وادبيات مملکت ميباشد .

در شهر بابک هم کلماتى خاص در مکالمات بکار ميرود از اين قبيل :

آدور - بروزن شاپور بمعنى خار عموماً و خارشترى خصوصاً .

پروند - بروزن سربند بمعنى ديوارى است که اطراف زمين بکشند و آن را محصور کنند .

آزنده - بروزن آبنده بمعنى گدا و کلاش ، و عمل آن را که گدائى و کلاشى و دريوژگى باشد (آزندگى) گویند . (شايد از (آز) گرفته شده است) .

روند - بروزن برند بمعنى حدودى که در مراتع برای هر گله‌دارى يا صاحب آغل يا چاه آب

يا برای مراتع هر دهکده مشخص و معلوم شده و از آن حدود حق تجاوز ندارند .

راهبين - از کلامه راه است بروزن آئين ، يعنى راهى که صاحب خانه يا باغ يا زمين برای

آمد و رفت حق استفاده از آن را دارد .

چريد - بروزن فريد ، هر گاه يك نقشه يا برنامه يا قرارداد معامله‌اى که در شرف انجام باشد

بجهتى عملى نگردد گویند فلان موضوع چريد .

صيقه‌آمر ، بچران ، ماضى مفرد ، چراند ، جمع ، چراندند .

بابو - از (باب) پدر ، باضافه واو تصغير بجای جداين کلامه را استعمال کنند و باء دوم را بطرزى

خاص بااشمامى از همزه و واو گویند .

بش - زراعت گندم که آبيارى آن فقط در زمستان است .

دهستانها و ديه‌ها :

۱ - **هرات** - در اصطلاح محلى آن را (خرا) هم گویند (ممکن است خرا معادل (هرا) باشد .

مانند خنق و هندن و نظایر آن). دهستان هرات که مرکب از چند دیه و دهکده میباشد در مغرب شهر بابک بمفاصله ۷۲ کیلومتر واقع است. آب عمده آن علاوه بر قنوات متعدد، از دو چشمه بزرگی است که از زیر کوه جنوب غربی این دهستان جاری است و فاصله آن تا هرات شش کیلومتر. رشته کوه مذکور فاصله بین خاک شهر بابک و بوانات یا بعبارت دیگر حدفاصل بین خاک استان دهم و استان هفتم در این نقطه است.

زمین این دهستان مسطح و جلگه‌ای و حاصل خیز و هوایش در تابستان گرم و در بقیه فصول معتدل است. جمعیت تمام دهستان ۳۵۰۰ نفر و دیه مرکز دهستان تاج آباد است. دسته ژاندارمری، شمه بهداری، دفترست، تلگراف، بی سیم و دو دبستان شش کلاسه و چهار کلاسه در تاج آباد و فتح آباد وجود دارد. تاسی سال قبل بعلت عدم امنیت و وجود بیماری مالاریا دهستان هرات رو بویروانی بود ولی بر اثر ایجاد و دوام امنیت و از میان رفتن مالاریا (از طریق خشکاندن اراضی باتلاقی و مصرف تمام آبها برای زراعت) و تاحدی رعایت اصول بهداشت، آبادی دهستان سال بسال در ترقی و پیشرفت بوده و هست و مالکین عمده در آبادی و عمران آن سعی و کوشش دارند. در این سنوات اخیر شخم زمین بوسیله تراکتور نیز رایج شده و کمک با افزایش محصول نموده است.

در شش کیلو متری جنوب غربی هرات روی تپه سنگی کم ارتفاعی، در پای کوه، بقعه کوچکی قرار دارد که زیارتگاه اهالی است. در کنار آن جدول آبی از چشمه جاری است و چند درخت سایه انداز نیز وجود دارد. در این بقعه که بقدمگاه موسوم است کسی مدفون نیست. در نزدیکی آن در یک قطعه سنگ نرم خارا فرو رفتگی کمی دیده میشود که آن را اثر قدم حضرت مولای متقیان علیه السلام میدانند و کنار آن نیز یک گودی گردی نظیر دهنه چاه بمق کمتر از یک متر در سنگ دیده میشود که آن را بنام تنور حضرت زهرا سلام الله علیها مینامند و زیارت میکنند.

قدمگاه علاوه بر زیارتگاههای مذکور تفریح گاه و محل گل گشت اهالی نیز میباشد خصوصاً در ۱۳ فروردین برای اجرای مراسم سیزده بدر آنجا میروند. در قطعه سنگ دیگری یک پیش آمدگی طبیعی وجود دارد و در این سنگ دماغه مانند سوراخی از بالا بیابین با انحراف و ناهمواری باز است. در اصطلاح استان کرمان و نقاط مجاور آن و از جمله در این بخش سوراخ را مطلقاً (کت) گویند (با کاف عربی مضموم و قاف قرشت ساکن) و این سوراخ طبیعی سنگی را (کت حلال و حرام) نامند. هر موقع مخصوصاً روز ۱۳ فروردین که مردم در آنجا تفریح و تفرج میکنند یکی از وسایل تفریح و خنده و شادی آنان این است که اطفال و جوانان کمتر از ۱۸ سال از این سوراخ میگذرند و غالباً با زحمت و خراشیده شدن دست و پا و پاره شدن لباس این کار انجام میشود و گویند هر کس که از این راه صعب العبور گذشت حلال زاده و هر کس موفق ببورنشد حرام زاده است - بدیهی است حرام زاده در میان کسانی که آنجا هستند وجود ندارد زیرا همگی با هر مرارتی باشد عبور میکنند. و غالباً در حال طفولیت این آزمایش میشود که جسم هر کس قابل عبور از کت حلال و حرام است، لکن در حین عبور هر یک از آزمایش کنندگان چنان شادی و سرور و هیاهویی در تماشاچیان ایجاد میشود که همان منظره بهترین وسیله شادمانی و بذله گوئی و لطیفه خوانی و کف زدن هاست و معلوم نیست کدام شخص ظریفی در آغاز امر چنین مزاحی کرده که تا کنون بیادگار مانده است.

در گرشاسب نامه حکیم اسدی نیز چنین موضوعی هست.

۲. هر ویست. با میم و راه مهمله و واو و سین مهمله و تاه مثناة فوقانیه بر وزن سردست.

بعضی از ظرفها گویند یحتمل يك زمانی از نام این ده سؤال شده و جواب دهنده‌ای در ردیف نام هرات گفته است: آن دهستان هرات و این مرو است، یعنی بنام هرات و مروخراسان، و شنونده (است) خیری را جزو نام تصور کرده است!

این دهستان در شمال هرات و شمال غربی شهر بابک واقع است. تا شهر بابک ۱۲۰ کیلومتر و تا هرات ۴۸ کیلومتر فاصله دارد. زمین آن جلگه حاصل خیز و هوایش معتدل مایل بگرمی و آبش از قنات است. خانه‌های ده با مظهر آب و باغستان آن چند کیلومتر فاصله دارد. در میان ده قلعه مرتفعی وجود دارد که اطراف آن خندق و قلع محل پاسگاه ژاندارمری است. تپه‌ای که قلعه روی آن بنا شده خاک‌کی است و فقط بمقدار مساحت قلعه است. باعتقاد بسیاری از مردم تپه مذکور را با خاک دستی بر آورده سپس قلعه را روی آن بنا نمودند. بالای قلعه مشرف بر تمام دهستان و بیابانهای اطراف است. جمعیت دهستان مروست حدود ۲۷۰۰ نفر است. پاسگاه ژاندارمری، دفتر پست، شعبه بهداشتی و یک دبستان پسرانه شش کلاسه دارد. مروست داری ۱۵ دهکده تابعه است. مسجد جامع مروست در سال ۱۱۶۴ قمری بنا یا تعمیر شده.

هراورجان :

میان هرات و مروست دهستانی است موسوم به (هراورجان) که فعلا از لحاظ تشکیلات اداری ضمیمه بوانات فارس است. در سمت شرقی هرات و هراورجان کویر شوره زاری است که در فصل زمستان و مواقع بارندگی صعب‌العبور است بلکه قابل عبور نیست. دریاچه نیریز در جنوب غربی این شوره‌زار است.

۳ - خبیر - بر وزن صبر، که خور بر وزن جور نیز گویند.

این دهستان در شمال غربی شهر بابک بمفاصله ۹۰ کیلومتر واقع است. دهستانی است کوهستانی و هوای آن معتدل و ۲۰ دهکده تابع آن است. پاسگاه ژاندارمری و دبستان پسرانه چهار کلاسه دارد.

۴ - دهج - بر وزن غیب، شاید در اصل دهک (ده کوچک) بوده و معرب شده. دهستان دهج در جهت شمالی شهر بابک بمفاصله نود کیلومتر در سر راه اصلی یزد بشهر بابک واقع است. آب از قنات، زمین کوهستانی و هوا معتدل است. ۳۰ دهکده کوهستانی کوچک که فقط در تابستان چند نفری در هر يك از آنها ساکن میشوند تابع این دهستان است، جمعیت آن ۲۵۰۰ نفر است. روغن و پنیر دهج مرغوب و قالیچه بافی آن نسبتاً زیاد است.

در شش کیلومتری جنوب غربی دهج قلعه کوه مرتفعی است موسوم بکوه ایوب و در آن قلعه غاری وسیع وجود دارد موسوم بهمان اسم و در آنجا چشمه آبی گوار است بهمان نام که زیارتگاه است. گویند خاصیت طبیعی این آب آن است که هر گاه باشجاری که دچار آفت (ره) شده باشد بیاشند رفیع آفت مینماید و از این آب کوزه‌ها و شیشه‌ها بنقاط دور دست میبرند و رفیع آفت می‌کنند. از آداب حمل آب آن است که از موقع برداشتن از چشمه تا رسیدن بمقصد ظرف آب نباید روی زمین گذارده شود.

«ره» با راه مهمله مفتوحه و های غیر مملفوظ آفتی است که اشجار میوه‌دار بدان دچار میشوند و بر اثر آن مانند تار عنکبوت پرده سفیدی روی درخت کشیده میشود و میوه درخت از میان میرود. در شمال دهج دو قلعه مرتفع که از دور بشکل کوهی از خاک گنبد مانند مینماید قرارداد. گویند

هوج بن عنق از این بیابان عبور کرده و ریگ کفش خود را ریخته و این دو قله بزرگ را ایجاد کرده است و به کوه های هوج موسوم است .

آب چشمه ایوب را که ذکر شد برای بیرون آوردن زالو از حلقوم نیز بکار میبرند .
 ۵ - جوزم - (گوزم) بر وزن کرفس .

این دهستان در سمت شمال شهر بابک بمفاصله ۵۴ کیلومتر واقع شده . دهستان جوزم کوهستانی و در دره ای قرار دارد که از غرب بشرق ممتد است . وسط دره مسیل و در دو کنار آن دینه جوزم که بدو قسمت منقسم است واقع شده . قسمت شمالی را نفس القریه و قسمت جنوبی را فدک نامند . دهکده های تابعه نیز در طرفین دره است و شماره آنها به ۳۵ و جمعیت آنها به ۳۰۰۰ بالغ میشود . یاسگاه ژاندارمری ، شنبه بهداری ، شنبه یست و دبستان پسرانه شش کلاسه دارد .

در جنگ جهانی اول و تشکیلات پلیس جنوب (اس . پی . آر) واقعه ای در دهستان جوزم رخ داده که منجر بفارت و حریق ده و شکنجه و آزار اهالی و تیرباران کردن یازده نفر بی گناه شده که شرح آن مفصل است و مناسب این مقال نیست .

روغن و پنیر و قالبچه های این دهستان مرغوب است . جاجیم های خوب نیز بمقدار احتیاج محل بافته میشود .

۶ - ریاط - در مغرب شهر بابک بمفاصله ۳۶ کیلومتر واقع است . آب این دهستان شور و زمین آن جلگه و کویر و هوا در تابستان گرمتر از سایر نقاط این منطقه و دارای یشه زیاد است . دهکده های تابعه به هشت بالغ است . جمعیت ۶۰۰ نفر و دارای یاسگاه ژاندارمری است . این دهستان ربویرانی است و چنانکه گویند بر اثر بیماری عمومی انفولوانزای سال ۱۳۳۸ هجری قمری تلفات زیاد با اهالی این ده وارد شده و از آن زمان آبادی سابق را باز نیافته است ، این دهستان برای پرورش درخت پسته استعداد دارد و همچنین مراتع آن برای شترداری مستعد است .

۷ - ده شتران - در ۳۶ کیلومتری شرقی شهر بابک واقع است . آب از قنات و زمین جلگه و حاصلخیز و هوا نسبتاً گرم و دارای ۱۲ دهکده تابعه و ۱۰۰۰ نفر نفوس و یاسگاه ژاندارمری و دبستان پسرانه چهار کلاسه است .

در این دهستان دیهی است بنام خاتون آباد و محلی بنام قصرالنعیم .

گویند در قدیم الایام بانوئی یا دختری فاضله و شاعره در کرمان ریاست مطلقه و یک نوع سلطنت محلی داشته و این دومحل با مر این زن احداث شده است . به این زن پیشنهاد ازدواج کردند در جواب گفت من میل دارم همواره فرمانفرما باشم هر گاه بقید زوجیت مقید شوم ناچار فرمان بردار خواهم گردید و این برخلاف طبع من است .

۸ - میمند - این دهستان کوهستانی در ۳۶ کیلومتری شرقی شهر بابک و دارای ۱۴۰۰ تن جمعیت و یکباب دبستان چهار کلاسه پسرانه است . قریب چهل دهکده کوچک در این دهستان وجود دارد که در زمستان ساکنین آنها در میمند اقامت دارند . اهالی میمند فعالیت و اقتصاد و شدت علاقه بگلکه داری معروفند . روغن میمند ممتاز است . (جناب دکتر محمد حسین میمندی نژاد استاد دانشمند دانشگاه و مؤلف مشهور ، منسوب به همین میمند است .)

از طوایف میمندی علاوه بر آنچه در آن دهستان مقیم هستند عده زیادی درسایر نقاط شهر - بابک اقامت دارند و نسبت میمندی و امتیازات اخلاقی و اجتماعی آنان را حفظ کرده اند . ساختمان

خانه‌های میمند بطرز خاصی است که در نوع خود کم‌نظیر است. بجای آنکه خانه ومسکن از مصالح ساختمانی بنا کنند سنگ کوه را با تیشه و کلند بریده اطلاق و سایر ائینه مسکونی را بهر شکل و اندازه که بخواهند دردل سنگ بوجود می‌آورند. میمند در دره‌ای کم عرض واقع است. در کنار دره سنگهای طبیعی کوه نوعی است که از بک طرف سهولت بریده میشود و از طرفی برای دیوار و سقف عمارت استحکام دارد. منازل مسکونی و مسجد وحمام و هر نوع بنا حتی میدان وحسینه و کوچکها همگی بابریدن و کندن سنگ بوجود آمده است. در میمند کوچه را کیچه وتوت را تیت و بود (ماضی بودن) رایید گویند.

۹ - **راویز** - با راه مهمله والف و واو و پاه حطی وزاه هوز بر وزن پائیز. دهستانی است کوهستانی در شصت کیلومتری شرقی شهر بابک (متماثل بشمال شرقی). این دهستان در دره‌ای قرار دارد که مجموع آنرا «راویز» نامند و عبارت از قریب ۴۰ دبه و دهکده باسامی خاص جدا گانه و یکی از دیه‌های آن نیز موسوم بر اوایز است. مهمترین دبه راویز خوم‌الدین واسطاهوئیه میباشد. جمعیت دهستان مذکور ۳۰۰۰ نفر است. پاسگاه ژاندارمری و دبستان چهار کلاسه پسرانه در آنجا وجود دارد. معدن سنگ مرمری در کوهستان این حدود است.

در میان اهالی این دهستان، نسبت بعمده نفوس و با مقایسه دهستانهای مشابه آن، کسانی که خواندن و نوشتن بدانند زیادترند.

۱۰ - **پاقلعه** - دهستانی است کوهستانی و خوش آب و هوا در مشرق شهر بابک با فاصله ۴۸ کیلومتر دارای ۱۸۰۰ نفر نفوس و ۲۰ دهکده و یک باب دبستان پسرانه چهار کلاسه.

۱۱ - **مسینان** - کلمه مسین با الف و نون در آخر آن از (مس). این دهستان واقع است در کوهستان صعب العبور و سرد سیر که جمعاً دارای ۳۵ آبادی باسامی مخصوص میباشد و مسینان نام مجموع آنهاست. یکی از دهکده های این دهستان موسوم است به (دغندر) بروزن چغندر. این دهستان در ۶۰ کیلومتری شمال شرقی شهر بابک واقع و دارای ۱۰۰۰ نفر جمعیت است. بعلت دور بودن و صعوبت آمد و رفت و علل دیگر اهالی این دهستان از حیث سطح فکر و وضع زندگی عقب مانده تر از اهالی سایر دهستانهای این بخش میباشد. از نام این دهستان و گفته های اهالی چنین بر میآید که معادن مس در کوهستان این حدود وجود دارد - و نیز گویند در کوهسار همین دهستان معدن فیروزه بوده و اکنون محل آن در حال خرابی همین است.

در کتاب برهان قاطع در ذیل توضیح لغت (بابک) از فیروزه منسوب به شهر بابک ذکری رفته است. چون در هیچ نقطه دیگر از این بخش بجز مسینان نامی از وجود معدن فیروزه بگوش نرسیده شاید معدن فیروزه شهر بابکی مندرج در برهان قاطع را با همین محل بتوان تطبیق کرد.

۱۲ - **آبدلر** - (دره آب) در ۳۶ کیلومتری شمال شرقی شهر بابک و از مناطق کوهستانی و سرد سیر و عبارت از ۱۲ دبه و دهکده است که در دره‌ای قرار دارد. جمعیت آن ۱۰۰۰ نفر است. در این دهستان بهترین عسل بمقدار اندک بدست میآید و محصول عمده آن میوه و خشکبار است.

